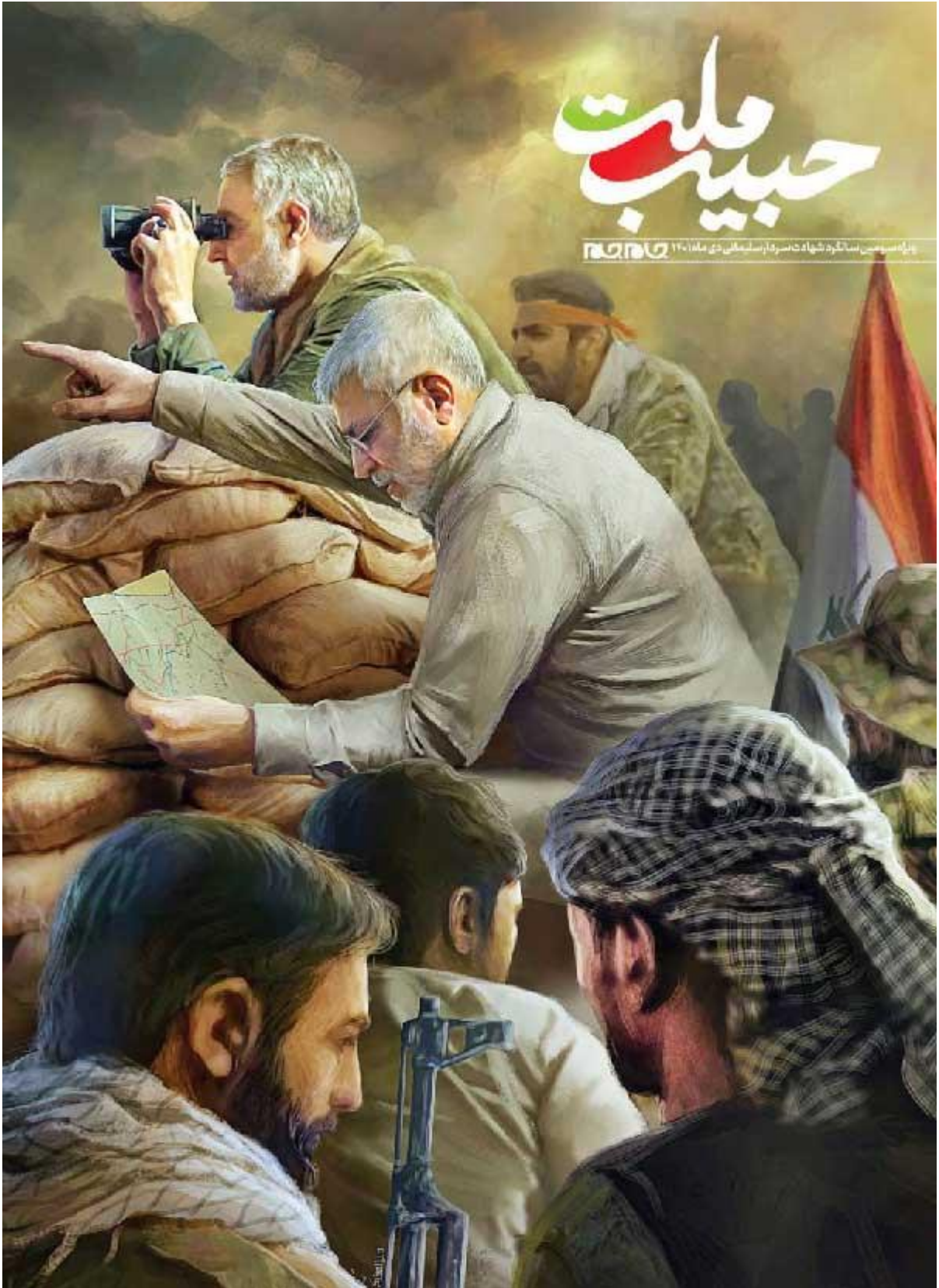


حیدریت

پیرا سوشل سائیکوڈ شہادت سیرہ از سلیمان کی ماہ ۱۲۰۱ھ



در کنار رهبران بزرگ

فرماندهان بزرگ شکل می‌گیرند

گفت‌وگو با دکتر موسی نجفی، استاد تمام و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هیچ وقت با قیام مسلحانه موافق نبودند، مثلاً مأمورهای یک حکومت را بگیریم و بکشیم، حتی در حکومت شاه. چون نظر مثبتی به این کار نداشتند، می‌گفتند مردم باید بیدار شوند و با حرکت‌های ترور و تروریستی اصلاً موافق نبودند. ایشان می‌گفتند وقتی مردم بیدار شوند، خودشان حرکت می‌کنند اما برخی آن ایده‌ای را که اول مصاحبه از آن یاد شد در کشورهای دیگر جلو بردند و چون کار نیکخواهی درآمد، ضررش از نفعش بیشتر بود.

بعد وقتی که آن جریان نبود شد و امام حساسیت نشان دادند، آن قضیه انحرفی از بین رفت. آرام آرام در سپاه این حرکت به قضیه سپاه قدس تبدیل شد. به خصوص بعد از فرماندهی حاج قاسم یک نظم و نسقی هم گرفت. به نظر من کار مهم حاج قاسم در صدور انقلاب این بود که جنبه سخت‌افزاری صدور انقلاب را اول به نرم‌افزار تبدیل کرد و دوم بحث صدور انقلاب را، ایشان طبیعی مطرح کرد نه مهندسی شده؛ این هر دو مهم است.

شاید بگوییم پس ورود ایشان به قضیه داعش یا رفتن ایشان به فلسطین چه بوده؟ آنها جنبه تدافعی داشته، یعنی دشمن مانع ایجاد می‌کرد و اصلاً قضیه سوریه برای کشور جمهوری اسلامی و جنبه مقاومت هم خطرناک بود و اینجا دیگر نمی‌شد فقط کار نرم‌افزاری کرد و کار سخت‌افزاری هم لازم بود. منتها نرم‌افزار اولویت داشت ولی آن هم در هماهنگی با دستگاه‌های دیپلماسی، وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و

انقلاب اسلامی ایران از روز اول نگاه تمدنی داشت و هیچ‌گاه خود را محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌دید؛ هر چند ایران اساسی‌ترین پشتیبان و محل قدرت‌گیری انقلاب اسلامی بود و ویژگی‌هایی داشت که باعث تمایز انقلاب اسلامی ایران از دیگر انقلاب‌ها می‌شد. طی سال‌های پس از انقلاب، نهادهای زیادی برای ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی تأسیس شد که شاید موفق‌ترین آنها سپاه قدس و به‌ویژه در دوره فرماندهی شهید سلیمانی بود. این موضوع چالش را در مصاحبه با دکتر موسی نجفی بررسی کردیم. نفعی که نگاهی تاریخی و تمدنی به موضوعات روز کشور دارد، با تشبیه شهید سلیمانی به یکی از سرداران دوران صفوی، به صورت ضمنی ایران فعلی را با زمان اوج اقتدار دوره صفویه - یعنی دوره شاه‌عباس - مقایسه کرد.

• یکی از بحث‌های مهم در انقلاب اسلامی بحث تمدن اسلامی است. از ابتدای فعالیت‌های امام خمینی (ره) و دیگر مبارزان سختی بود که انقلاب اسلامی محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌شود. اوج این فعالیت را می‌توان در دوره مدیریت شهید سلیمانی در سپاه قدس و نتیجه آن را در منطقه مشاهده کرد. آیا شما این تحلیل تاریخی را قبول دارید و آن را یک حرکت رو به جلو و موفق می‌دانید؟

ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی در سپاه یک واحدی درست شد که البته مدتی بعد به انحراف رفت به نام «واحد نهضت‌ها» که سید مهدی هاشمی معدوم هم این حرکت را دست گرفت و یک حرکتی شد که اینها به کشورهای دیگر می‌رفتند و حتی با برخی کشورها مانند لیبی ارتباط داشتند. یک مدتی هم شهید محمد منتظری این فکر را جلوی برد، ولی این افراد اول انقلاب خیلی برای صدور انقلاب عجله داشتند و فکر می‌کردند مشکل صدور انقلاب، سخت‌افزار است. همین امر باعث شد اینها انقلاب را درست نشناسند که بخواهند درست آن را معرفی کنند، هم خیلی عجله داشتند که بقیه آن کشورها را به هم بریزند. این امر باعث ایجاد بدبینی و ناهماهنگی زیادی در کل کشور و منطقه نسبت به ایران شد و این تصور به وجود آمد که اینها شاه را سرنگون کردند، حالا نوبت ماست و کشورهای دیگر در مقابل انقلاب اسلامی از اول گارد گرفتند. از این موقعیت تنها کسی که استفاده کرد صدام بود. نه این‌که آنها آدم‌های علیه‌السلامی بودند، آنها بعضی‌هایشان آدم‌های نوکرفستی بودند اما نوکرفستی هم درجه دارد. آنها وقتی احساس کردند ایران یا آن واحد نهضت‌ها می‌خواهد صدور انقلاب کند و سر وقت آنها برود، آنها هم سرکوب‌شان شدیدتر شد به حدی که کلام‌زهایشان را روی انقلاب بستند و احتمالاً بیشتر به دامان آمریکا رفتند؛ یعنی همه اینها ضرری بود که آن موقع از این کار نیکخواهانه و تسنجیده پیدا شد. به‌طور طبیعی وقتی انقلاب خودش را محکم و مستحکم می‌کرد، خودش را صادر می‌کند. اینها می‌خواستند یک جوری خودشان را متولی و مثلاً نماینده این کار کنند که واقعاً هم نبودند!

مسئولان انقلاب تصمیم گرفته بودند که انقلاب خودش را در مجامع بین‌المللی و در بین ملت‌ها مطرح کند. امام خمینی (ره) هم روش خاص خودشان را داشتند. می‌دانید امام (ره)





اعطای نشان ذوالفقار به سردار قاسم سلیمانی توسط مقام رهبری - سال ۱۳۹۷

برخی افراد درباره بحث فعالیت‌های ایران در منطقه و در کشورهای مثل عراق یا سوریه شبهاتی را مطرح می‌کنند که جنسور ایران در این کشور را نوعی اثرگذاری بیش از حد با دخالت می‌دانند. شما در پاسخ به سوال قبلی فرمودید که جنسور تا در برخی سواحل تدافعی بوده است. آیا جنسور مادر منطقه و افعان تدافعی بوده یا به دلیل تأمین منافع ملی کشورمان بوده است؟

صرف نظر از تدافعی یا منافع ملی، اصولاً اگر یک کشوری بتواند در جای دیگری نفوذ کند، نشان از قدرت آن کشور است. دنیا این موضوع را پذیرفته و معمولاً هم، حکومت‌های کشور مقصد از این قضیه دلخور می‌شود. مگر خود ما الان خوش مان می‌آید غربی‌ها در کشورمان نفوذ کنند؟ خب ما هم خوش مان نمی‌آید اما او این قدرت را دارد. در اینجا قدرت نرم است که به قدرت سخت وصل می‌شود و کشورها هم از این ظرفیت استفاده می‌کنند و معمولاً هیچ کشوری این قدرت را از دست نمی‌دهد. شما اصلاً فکر کنید اگر وهابی‌های سعودی می‌توانستند در تمام کشورهای اسلامی پایگاه می‌زدند، ولی محور مقاومت مأمور است که از نفوذ برخی کشورهای وهابی جلوگیری کند. این‌که ما الان به قول غربی‌ها در پنج پایتخت عربی نفوذ داریم، این پیش از این‌که کار مهندسی شده باشد، به نظر من هویت تاریخی است که به طور طبیعی ما، ابتدا در کشورهای که هم مذهب ما هستند. مسلمان بودنش یک مسأله است. نفوذ داریم و می‌بینیم تمام این خط، خطی است که معمولاً به تشیع نزدیک تر است. خب خیلی این موضوع طبیعی است، این استفاده تاریخی ما از این قضیه است، چرا این کار را نکنیم؟ وقتی می‌توانیم در هفت، هشت، ۱۰ کشور و کشورهای نزدیک مذهب ما، حتی کشورهایی که با ما هم زبان هستند مثل هند، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان یا حتی در کشورهای دیگر بتوانیم نفوذ کنیم، حتی در بوسنی بتوانیم برویم، چرا نرویم؟! یعنی این یک قدرتی به یک کشور می‌دهد که از زبانش استفاده کند. مگر خود انگلیسی‌ها از زبان انگلیسی برای نفوذشان در جهان استفاده نمی‌کنند؟ مگر فرانسوی‌ها نکردند؟ مگر بین این دو کشور سر این‌که زبان بین‌المللی کدام زبان باشد، اختلاف نبوده؟ این، یک امر مذمومی نیست، بسیار مدح‌وح است و قدرت ملی کشور را چند برابر می‌کند.

درباره شخصیت حاج قاسم و رهبری ایشان در سپاه قدس بعد از شهادت ایشان نظرات متفاوتی مطرح شد. خیلی‌ها سعی کردند ایشان را یک رهبر یا یک فرماندهی ملی جلوه بدهند اما رهبر انقلاب در یکی از بیانات‌شان شهید سلیمانی را «ملی‌ترین و

ارتباطات و حتی جهاد سازندگی، می‌دانید که جهاد سازندگی در آفریقا پروژه‌هایی داشت و به مناطق محروم آنجا کمک می‌کرد. در قضیه داعش چون کشور در خطر بود حاج قاسم وارد می‌شود. در قضیه عراق وقتی مردم داشتند سلاحی می‌شدند یا در شهر امرلی، شیعیان داشتند از بین می‌رفتند، دیگر نشود فقط کار فرهنگی یا کار نرم‌افزاری کرد و حاج قاسم به موقع وارد فاز سخت‌افزار هم شد. کسی نمی‌گوید سخت‌افزاری یا مثلاً اقدامات نظامی نباشد ولی باید در جای خودش باشد، نه این‌که اول کار که هنوز نه به بار است نه به دار است، وارد فاز نظامی شوید. در این مرحله نظامی هم حاج قاسم واقعاً درخشید و این در زمانی بود که انقلاب دیگر برای خودش تثبیت شده بود و می‌طلبید که موانع را بردارد. از این جنبه به نظرم می‌آید دو کار حاج قاسم؛ یعنی تبدیل سخت‌افزار به نرم‌افزار با اولویت نرم‌افزار و ورود سخت‌افزار در جای خودش و دوم، حرکت طبیعی به جای حرکت مهندسی از اصول اساسی حرکت حاج قاسم بود. مثلاً در قضیه یمن، ما به یمنی‌ها گفتیم انقلاب کنند، شیعیان یمن مورد یک ظلم تاریخی قرار گرفته بودند و تشکیلات خودشان را داشتند، ایران هم به آنها کمک داد یا بحرینی‌ها که برای قیام‌شان از ما الهام گرفتند، ولی هیچ‌وقت این‌گونه نبوده که ایران برود یک هسته مسلحانه در آن کشورها درست کند.

امتی نرین؛ شخصیت ایران خودارند. تا کجای بر این دو انقلاب، نشان می‌دهد که محدود کردن شهید سلیمانی به یک فرماند ملی اشتباه است و باید با نگاه استعماری به این شخصیت طراز اول ایرانی تکرار شده شود.

به نظر من اینها مانع‌الجمع نیست، چون ایشان که به عنوان یک ناسیونالیست ایرانی مطرح نیست، ایشان اهل کرمان است و همین کرمانی بودن، یعنی ایرانی بودن. ایشان که عرب نبوده یا مثلاً ترک یا افغانی؛ ایرانی است و این موضوع اشکالی ندارد. من قبلاً هم گفته‌ام که حاج قاسم یک فرد نیست، یک جریان است اما این جریان در یک فرد تبلور پیدا کرده است. این موضوع را در سطوح بالاتر می‌توانیم در مورد ائمه مشاهده کنیم. درست است که ائمه ما از نظر فردی خیلی ممتازند، عصمت دارند، معصوم هستند اما جریان امامت یک جریان است. ما می‌توانیم ائمه را در جریان امامت نگاه کنیم؛ یعنی هر در فردیت خودشان در نظر بگیریم و هم در جریان امامت و اینها مانع‌الجمع نیست و هر دو تایش هم یکی است.

در مورد شخص حاج قاسم، صفات خیلی خوبی داشته‌اند اما ایشان بدون انقلاب اسلامی معنا نمی‌دهد، انقلاب اسلامی هم بدون ایران معنا نمی‌دهد؛ یعنی کسانی که انقلاب اسلامی را در امت خلاصه و ایران را راه می‌کنند، اشتباه می‌کنند، چون پایگاه این انقلاب الان ایران است. شما نگاه کنید، دشمنان بیش از این که بخواهند ایران را از بین ببرند می‌خواهند انقلاب اسلامی از بین برود، ولی می‌دانند که دارند به ایران ضربه می‌زنند، چون ارتباط این دو را فهمیدند، می‌دانند اگر ایران و این پایگاه را تضعیف کنند، انقلاب اسلامی تضعیف شده و از بین می‌رود. بنابراین ما باید حواس مان باشد که تجسد انقلاب اسلامی در ایران است. شاید به یک نحوی بگوییم مثل صفویه و تشیع، نه تشیع از صفویه شروع شد نه از ایران اما در یک مقطعی در قرن دهم و یازدهم، پایگاه تشیع در دوره صفویه، ایران بود. آنهایی که می‌خواستند تشیع را نابود کنند به ایران حمله می‌کردند. شخصیت حاج قاسم هم همین‌گونه و دووجهی است؛ یک وجه فرمان ملی دارد، یک وجه بین‌المللی، این دو به نظر من مانع‌الجمع نیست؛ همان‌طور که خود امام خمینی (ره) هم همین‌طور است. مقام معظم رهبری هم درست است که به عنوان رهبر ایران صحبت می‌کند اما در امت اسلامی هم به خاطر آن جنبه تشیع و انقلاب اسلامی می‌توانند صحبت کنند اما طبیعتاً نفوذ ایران، نفوذ ایشان را چند برابر می‌کند.

در بحث تأثیرگیری شهید سلیمانی از شخصیت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، احساس می‌کنم که بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی شهید سلیمانی الهام گرفته از انقلاب اسلامی و رهبران این انقلاب است. آیا می‌توانیم ادعا کنیم که اگر انقلاب اسلامی امروز شهید سلیمانی در این فضا مطرح نمی‌شد؟

من یک مطلبی قبل از شهادت سردار سلیمانی در فضای مجازی منتشر کردم که بازتاب خیلی زیادی هم داشت. مضمون و تیتراژ مطلب این بود: «از امام قلی خان صفوی تا قاسم سلیمانی» و بلافاصله بعد از این که شهید سلیمانی اعلام کرد که داعش وجود ندارد این مطلب را منتشر کردم. نکته‌ای که من در آن یادداشت مطرح کردم این بود که وقتی رهبران بزرگ ظهور می‌کنند مثل امیرالمؤمنین، افرادی مثل مالک اشتر در کنار آنها ظهور می‌کنند و وقتی که مثلاً در اوج دوره صفویه شاه عباس حاکم می‌شود، امام قلی خان ظهور می‌کند و الان هم آیتا... خامنه‌ای جمهوری اسلامی را به عهده دارد که در پرتو رهبری ایشان حاج قاسم ظهور می‌کند. اگر رهبران بزرگ نباشند سردارهای بزرگ ظهور نمی‌کنند، اینها با همدیگر هستند؛ یعنی مالک اشتر قبل از امیرالمؤمنین (ع) هم مالک اشتر نبود اما دیده

نمی‌شد، در نهایت یک انقلابی بود که باید با بدعت خلفا یا با باند فاسد اموی در کوفه درگیر می‌شد اما وقتی امیرالمؤمنین می‌آید در خورشید ولایت امیرالمؤمنین (ع)، مالک سپهسالار حضرت می‌شود و آن ابعاد وجودی‌اش به منصف ظهور می‌رسد به طوری که حضرت بعد از شهادتش می‌گوید: «نسبت مالک به من مثل نسبت من به پیامبر است»، که این جمله بسیار بزرگی است. یعنی ما درباره هیچ‌کدام از صحابه چنین چیزی نداریم که یک معصومی نسبت به یک غیر معصوم، یک چنین جمله مهمی بگوید. خیلی به نظر من جمله عظیمی است و بعد از جمله‌ای که درباره سلمان گفته شده که «سلمان مثلاً اهل‌اللبیت» شاید این تعبیر بالاترین تعبیر باشد؛ البته این را باید اهل فن بیان کنند، ولی این جمله، جمله خیلی بالایی است که حضرت می‌گوید. از آن طرف ما هم یک استراتژیست بزرگ در قرن دهم و یازدهم داریم که شاه عباس است که شاه بسیار بزرگ و استراتژیستی است و توانسته ایران را به چند برابر ایران فعلی برساند و دشمنان را شکست دهد. شاه عباس سردار بزرگی مثل امام قلی خان را حاکم فارس کرد، او هم از آنجا رفت بندرعباس و برتغالی‌ها را از جزیره هرمز بیرون کرد و این کارش کار بزرگی است. بعد هم با سپاه عثمانی جنگ کرده است، عین همین کاری که یک جورهایی حاج قاسم انجام داده است. شخصیت حاج قاسم هم مثل این بزرگان است که در پرتو رهبران بزرگ ظهور می‌کنند، وگرنه اگر رهبران بزرگ نباشند، این سرداران نمی‌توانند به منصف ظهور برسند؛ یعنی استعدادهای شان به فعلیت نمی‌رسد.

به جای خوبی در بحث رسیدیم؛ شما می‌فرمایید که نگاه تاریخی ماست که باعث نفوذ و اثرگذاری ما در منطقه شده است و اتفاقاً این موضوع یک امتیاز سه ضلعی است؛ یعنی ما به نظر شما هویت ملی و تاریخی ما که در دوره صفویه به بعد شکل گرفت چقدر در شکل‌گیری شخصیت‌هایی مثل امام خمینی (ره)، آیتا... خامنه‌ای و شهید سلیمانی تأثیر گذاشته است؟

چرا الان مثلاً یک رهبر مذهبی مانند آیتا... سیستانی که مرجع تقلید هستند یا حتی سیدحسن نصرا... یک



جنگ ترکیبی شکست می‌خورید. جنگ ترکیبی به نظر من از انقلاب‌های رنگی هم بالاتر است، چون انقلاب‌های رنگی یک مدل حرکت است، جنگ ترکیبی یک مدل دیگر است، نگاه تمدنی است که جنگ ترکیبی را ایجاد می‌کند.

• اگر بخواهیم یک آسیب‌شناسی کنیم به نظر می‌رسد ما در فضای واقعی و فضای مجازی به‌خوبی در ۲۰ سال اخیر اثرگذاری جدی داشتیم اما در فضای رسانه و افکار عمومی خیلی موفق نبودیم. آیا این اشکال را شما وارد می‌دانید؟ در ایران یا در...؟

• هم در ایران هم در منطقه، مثلاً انتقاداتی که در عراق در این دو سه سال اخیر افتاد، بین جوانان عراقی یک فضای منفی درباره ایران تصویر شد، نمی‌گویم این تصویر به صورت کامل جا افتاد اما تا حدی مطرح شد. ما در حوزه بعضی از فعالیت‌های فرهنگی در سوریه یا جاهای دیگر به نظر می‌رسد ما نقاط ضعفی داریم. این موضوع را قبول دارید. که ما در فضای میدانی شاید به‌نوعی پیروز شده باشیم اما در فضای فرهنگی و رسانه‌ای ضعف داریم؟

همه که مثل حاج قاسم نیستند، اگر وزارت خارجه ما یا سازمان فرهنگ و ارتباطات ما مثل حاج قاسم رفتار می‌کردند این اتفاق می‌افتاد؟ مشکل ما این است که در بقیه حوزه‌ها افرادی مثل حاج قاسم حضور نداشتند. وقتی جنگ ترکیبی باشد موقعیت تمدنی، باید هرکسی جای خودش باشد، مثل یک ماشین که اجزایش باید با هم هماهنگ باشند. اگر ماشین مثل این است، باید همه چیزش بنیزد، تیر مثلاً یک ماشین درب و داغان را که روی بنز نمی‌گذرانند، خب بنز راه نمی‌رود، موتور بنز را ممکن است روی پراید بگذارند که خب فایده‌ای ندارد. هر چیزی جای خودش است، حاج قاسم کار خودش را خوب انجام داده اما صحنه دیپلماتیک ما یا مثلاً سازمان فرهنگ و ارتباطات ما یا بقیه قسمت‌های اقتصادی ما هم گام عمل نکردند، وگرنه اینها می‌توانستند از آن همه زحمتی که ایشان در عراق کشید، استفاده کنند. مثلاً از تلاش ایشان برای از بین بردن داعش و نجات مردم می‌توانستند برای انقلاب و برای ایران استفاده کنند اما نکردند. خارجی‌ها هم که معطل نمی‌شوند، واقعا مکار هستند، می‌آیند و خودشان را دوست جلوه می‌دهند و با همین شبکه‌ها و برتری رسانه‌ای که متأسفانه دارند و در کشور خودمان از این برتری استفاده می‌کنند. اینها می‌توانند حقایق را وارونه جلوه بدهند و ایران را استعمارگر تصویر کنند، همان‌طور که برای مردم ما هم عرب‌ها را یک مشت مردم متلا وحشی یا بی‌تمدن یا خشک‌گدازان جلوه می‌دهند، مردم ما را هم حساس می‌کنند. به‌هر حال، در این‌گونه موارد باید خیلی هوشیاری بالا باشد.

• به عنوان سوال پایانی باید عرض کنم که درست است که نزدیک به سه سال از شهادت شهید سلیمانی می‌گذرد اما همچنان حضور ایشان و سرسایه اجتماعی که برای نظام به‌خود آورد در این مقطع احساس می‌شود.

بله، درست است. در قضاای دو ماه اخیر، هر جادشمنان دست‌شان رسیده است عکس ایشان را در کنار عکس‌های رهبران انقلاب آتش زدند و این امر نشان می‌دهد که ایشان چقدر ممتاز هستند و چه حقد و کینه‌ای از ایشان وجود دارد. در تاریخ خیلی کم داریم که در تور یک مرد بزرگ، قدرتمندترین رهبر دنیا که رئیس جمهور آمریکا است، شخصا مسئولیت ترور را به عهده بگیرد، شاید بی نظیر باشد چنین چیزی که حادثه تروریستی به این سطح بالایی اتفاق افتاده و او با افتخار بگوید من این کار را کردم. حالا البته هم حماقتش بوده، هم ارزش بالای شهید سلیمانی را می‌رساند. روایتی هم هست که ارزش شهدا به این است که شقی‌ترین آدم‌ها آنها را شهید می‌کنند، دیگر از ترامپ شقی‌تر هم که واقعا در این دنیا نبود.

• علاوه بر شهادت شهید سلیمانی را هم می‌شود به صورت تمدنی تفسیر کرد؛ یعنی راس تمدن غرب می‌گوند، این کار را کردم، بله، من فکر می‌کنم در شهادت ایشان مسائل پیچیده‌ای وجود دارد، حتی داخل کشور خودمان هم احتمال نفوذی بودن برخی افراد وجود دارد اما شاید به‌زودی این موضوع معلوم نشود و بعدها اسنادش جاب شود، چون ایشان آدمی نبود به این راحتی این جور باز عمل بکند که به راحتی ایشان را ترور کنند. این قسمت از ترور ایشان خیلی تارک است، بعدها باید با انتشار اسناد معلوم شود که سازمان‌های جاسوسی یا برخی عوامل آنها به چه صورت توانستند این قدر راحت رد ایشان را بزنند یا این که قبلاً این همه دنبال ایشان بودند. به نظر من خیانت زیادی به ایشان شد. به نظرم هم از داخل هم از خارج هماهنگی وجود داشت؛ یعنی ارتباطات پیچیده دولتی و نفوذی که خارجی‌ها در کشور خود ما پیدا کردند، بی‌تأثیر نبوده است. من هیچ‌کسی را متهم نمی‌کنم، ولی ایشان نحوه شهادت‌شان خیلی پیچیده است؛ یعنی به این راحتی که فکر می‌کنیم نیست که آمریکا دستور بدهد به این راحتی رد ایشان را بزنند و بگویند اگر دو سه دقیقه دیرتر عمل می‌کردیم ایشان از دست درمی‌رفت، اینها، چطور به این راحتی توانستند این کار را انجام بدهند و ایشان هم چطور به این راحتی با بگذارد در تله دشمن؛ آن هم در کشوری که اشغال است، خب اینها خیلی عجیب غریب است!

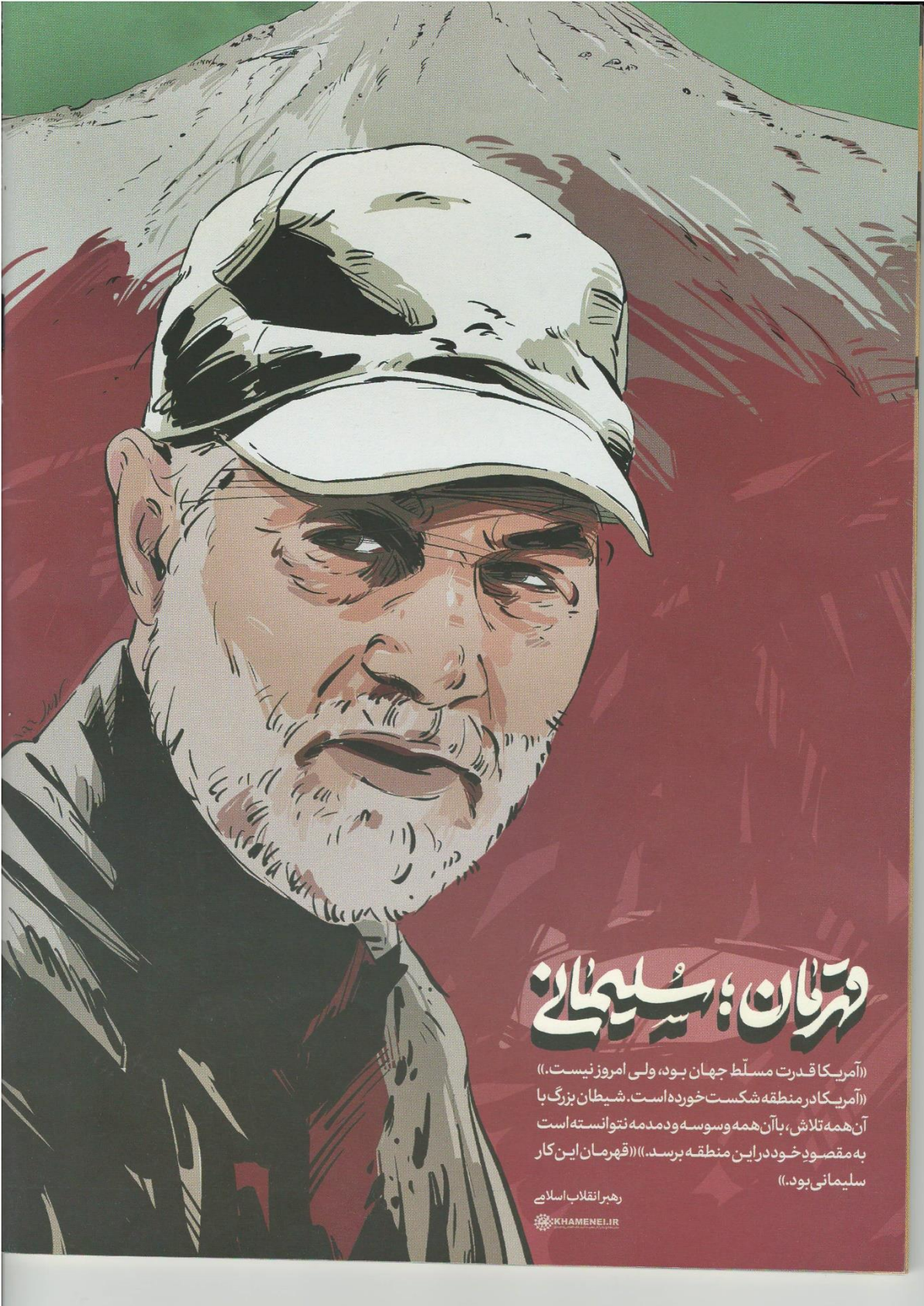
• همان زمان هم در عراق آشوب و به‌هم ریختگی بود. عراق آشوب بود. اینها چیزهای عادی نبود که به راحتی بتوان از کنار آن رد شد. شاید قسمت‌های زیادی از این قضیه بعدها معلوم شود، وقتی اسنادی از خود آنها جاب شود و بعدها یک عده‌ای اعتراف کنند چه اتفاقی افتاده این قضیه معلوم می‌شود.

رهبر انقلابی است در لبنان، این تأثیر را نمی‌تواند به این شدت داشته باشد؟ حالا حتی سید حسن که یک انقلاب هم در لبنان به پا کرد ولی ببینید سبیل انقلاب اسلامی یا سبیل ایران در آنها نیست. هر دو نفری که نام‌شان را بردم، جزو افراد بزرگ و هر دو به تشیع وصل هستند، ولی یکی‌شان بیشتر متلا در حوزه لبنان دیده می‌شود، یکی هم در حوزه مرجعیت شیعه عراق. اما انقلاب اسلامی قراتر است، یعنی ولایت فقیه و رهبری این انقلاب که با رهبری ایران الان یکی شده، یک قدرت مضاعفی می‌دهد. خب طبیعتاً تمام امکانات مادی، معنوی، تاریخی، ادبی و فرهنگی هم پشت این رهبر می‌آید و او از این ظرفیت استفاده می‌کند تا این قدرت و این صدا بیشتر شنیده شود.

• فرمودید که خیلی از فعالیت‌هایی که حاج قاسم شروع کرد، نرم‌افزاری بود و ایشان توانست از قدرت تمدنی و فرهنگی ایران در قالب سپاه قدس استفاده کند و در کشورهایی دیگر اثرگذاری جدی داشته باشد. درباره داعش و برخی حرکت‌های مسلحانه نیز شما آنجا را نوعی حرکت دفاعی دانستید. در مجموع به نظر شما اثرگذاری سپاه قدس در سال‌های گذشته، بیشتر به دلیل بحث‌های فرهنگی یا بحث‌های نرم‌افزاری بوده یا عمل‌های دیگری هم داشته است؟ شخصیت شهید سلیمانی چقدر در اثرگذاری سپاه قدس مؤثر بوده است؟

یک آدم وقتی موفق است که برنامه‌ریزی داشته باشد، مثلاً من نوعی رئیس این پژوهشگاه هستم، این پژوهشگاه را که من درست نکردم؛ ۱۰ سال سابقه دارد، خب من یک ایده‌هایی در علوم انسانی دارم، این پژوهشگاه می‌تواند اولین ایده‌های من را محقق کند تا آنجا که بشود، یک مقدار هم خودم باید پژوهشگاه را با ایده‌های خودم هم‌گام کنم؛ یعنی ظرفیتش را بالا ببرم. این هر دو است؛ یعنی در کنار هم می‌شود. نسبت سپاه قدس و حاج قاسم هم همین‌گونه است. سپاه قدس را که حاج قاسم درست کرده اما حاج قاسم ایده‌هایی داشت که بدون سپاه قدس تحقق پیدا نمی‌کرد و سپاه قدس هم ظرفیتی داشت که بدون حاج قاسم این ظرفیت محقق نمی‌شد، این دو تا در کنار هم است؛ یعنی ما باید این دو تا را با هم‌دیگر ببینیم.

• منابع و نبرات این نگاه تمدنی چیست؟ ما اگر این جوری نگاه کنیم چه نتیجه‌ای می‌تواند برای کشور داشته باشد. اگر به صورت محدود و علی‌گرا باشد نگاه کنیم چه نتایجی دارد؟ این چیزی که الان می‌گویند در این قضیه اعتراضات و اغتشاشات اخیر به نام جنگ ترکیبی، اگر شما نگاه تمدنی نداشته باشید نه جنگ ترکیبی را درست می‌فهمید، نه می‌توانید با آن مقابله کنید و ضدش را بزنید. در یک نگاه چریکی یا سخت‌افزارانه، شما در



قهرمان؛ سلیمان

«آمریکا قدرت مسلط جهان بود، ولی امروز نیست.»
«آمریکادر منطقه شکست خورده است. شیطان بزرگ با
آن همه تلاش، با آن همه وسوسه و دمدمه نتوانسته است
به مقصود خود در این منطقه برسد.» (قهرمان این کار
سلیمانی بود.)

رهبر انقلاب اسلامی

 KHAMENEI.IR